

چکیده :

همسویی فضای مدرسه با نگاه آموزشی حاکم بر آن، سبب شکل‌گیری مجموعه‌ای یک‌پارچه در جهت رسیدن به اهداف آموزشی است. معماری موجود کلاس‌های درس که به صورت چهاردیواری‌هایی با چیدمان یک طرفه فضا به سوی معلم در نظر گرفته شده، با رویکردهای نوین آموزشی که به بازیگونی و سیالیت یادگیری کودک، همچنین کرامت انسانی او توجه و تأکید دارند، در تناقض است. روانشناسی انسان‌گرا با توجه به جنبه‌های مختلف رشد کودک از جمله تعقل، احساس و تخیل، او را موجودی آزاد و توانمند می‌پندارد. یکی از الگوهای برگرفته از روانشناسی انسان‌گرا، "الگوی یادگیری مشارکتی" است. این الگو که محیط یادگیری کودک را محدود به کلاس درس و فضای بسته‌ی آن نمی‌داند، سعی دارد تا فضای یادگیری کودک را از کلاس درس به همه‌ی مدرسه و به طور کلی خانه، محله و جامعه‌ی او گسترش دهد. این الگو در عین در نظر گرفتن منحصر به فرد بودن هر کودک، یادگیری را به تعامل و مشارکت با دیگر افراد، طبیعت و آنچه در محیط پیرامون حضور دارد، تعمیم داده است. مدرسه که ظرفی است برای شکل‌گیری یادگیری کودک، در هم‌نوایی با الگوی یادگیری، مجموعه آموزشی را به اهدافش نزدیک می‌کند. این پژوهش ضمن ارائه راهکارهای محیطی چون استفاده از جداره‌های شفاف، ایوان‌های مرتبط با طبیعت در مدرسه، گسترش راهروها به خیابان‌های کاری، همچنین ورودی دعوت‌کننده و ایجاد کاربری‌های مشترک مدرسه و محله در مفصل ارتباطی مدرسه با شهر؛ شاکله‌ای از یک مجموعه‌ی آموزشی با رویکرد خاص، شامل دیدگاه آموزشی، راهکارها و روش‌های آموزشی و فضای متناسب با آن‌ها را ترسیم کرده است. در نظر داشتن اهداف و نیازهای جامعه‌ی ایرانی، بستر و اقلیم مدرسه در همه‌ی این بخش‌ها مورد توجه بوده است.

کلمات کلیدی: رویکرد آموزشی انسان‌گرا، الگوی یادگیری مشارکتی، رویکرد رجویامیلیا، معماری مدرسه، فضای یادگیری.